

12-12-2013

نویسنده: تور دیقل میمنگی

## فاریاب در زیر نشانگاه طالبان، مافیای ارگ کابل و گردانندگان بازی های بزرگ ژئوپولیتیک نوین در آسیای مرکزی و افغانستان

درین اوضاع بحرانی و مأیوس کننده که، مردم افغانستان، با عالمی از بیم و امید، برگزاری دوسوم انتخابات ریاست جمهوری کشور خود را انتظار میکشند، فضای ملتهب ناشی از خروج نیروهای خارجی در سال 2014، باتشدید فعالیت های تروریستی طالبان، کلاف سردرگم امضای پیمان امنیتی بین حامد کرزی و دولت امریکا، افزایش روز افزون حملات تروریستی و هزاران معضل دیگر، شب و روز زندگی توده هاراباغم و اندوه زایدالوصفی انباشته است، شکل گیری سیستماتیک وبلا وقفه دسایس وتوطئه های فلج کننده سیاسی، نظامی و امنیتی، به اشکال و عناوین متنوع آن در سرتاسر کشور، خصوصاً فاریاب و بدخشان سوالات زیادی را در رابطه با نیت و خواسته های دولت و حامیان بیرونی آن در جامعه خلق نموده است.

تشدید جنگ و بحران در ولایات بالنسبه امن شمال، خصوصاً بدخشان و فاریاب، که بی تفاوتی های آشکار دولت و حامیان بیرونی آن راهم واضحاً به نمایش میگذارد، مردم ما وكافه جهانیان را، از شکل گیری یک سلسله پلان و پروژه های بحران آفرین جدید منطقوی، در شمال افغانستان و آسیای میانه هوشدار میدهد.

فاریاب واضحاً یکی ازین میادین عمده و استراتژییک بحران جدید منطقوی است که، وضع امنیتی آن بصورت عمدی و پلان شده رو به وخامت قرار دارد.

این حالت از مردم افغانستان وباشندگان فاریاب، می طلبد که، متوجه اصل قضایا وعمق فجایع در حال تکوین بوده، واصل علت هارا درین رابطه جستجو ودریافت نمایند.

تا با آگاهی و خرد بتوانند، در قبال این توطئه های دشمنان صلح و امنیت کشور مقاومت نموده، از جان، مال و ناموس خودها موفقانه وسر فرازانه پاسداری به عمل آورند.

سوالات اساسی درین رابطه این است که، این توطئه های خائینانه، ریشه در کجا دارد و چگونه تکوین و عملی میگردند؟

و چگونه میتوان از آنها جلو گیری نمود؟

درین رابطه قبل از همه باید است متوجه بود که طالب یک پدیده سازمانیافته سیاسی و نظامی، با اعتقادات خاص و محاسبه شده آیدالوژیکی از جانب بازیگران بزرگ سیاسی و اقتصادی جهان، در افغانستان و منطقه میبانشد که، هدفهای اصلی ایجاد آن، اگر تا امروز در افغانستان قرار داشت، اکنون فرا تر از افغانستان قرار دارد.

قسمیکه همه میدانند، طراحان اصلی پروژه طالب در کشور ما، امریکا و انگلیس در همآهنگی با کانسرسیون های بزرگ نفتی جهان! تمویل کنندگان اساسی آن هم کمپنی های بزرگ نفتی و کشور های عربی حوزه خلیج پارس! لابراتوار اصلی تولید طالب هم پاکستان! بوده، از افغانستان بحیث آزمایشگاه و پولیگونهای نخستین آزمایش این ویروس استفاده به عمل آمده است.

نیروی انسانی اولین مرحله کار طالب سازی هم، بادر نظر داشت ویژگی های چندین ملیتی بودن مردم افغانستان، موجودیت روحیه حاکمیت طلبی در بین قبایل پشتون، موجودیت طولانی مدت نابرابری های حل ناشده ملی و اتنیک، حاد بودن تضاد های آیدالوژیکی و مذهبی بعد از حاکمیت کودتایی و چهارده ساله حزب دموکراتیک خلق، و تهاجم اشغالگرانه قشون سرخ، تشدید مرز بندی های قومی در دوران حاکمیت انارشستی تنظیم های جهادی، در کشور، از بین قبایل پشتون مستقر در دو طرف خط دیورند، تحت سرپرستی آموزگاران پاکستانی و عرب انتخاب و تنظیم گردید.

اکنون که مرحله اول پروژه با موفقیت عملی، و کشور ما را در بست و بلا قید و شرط، تا سرحد پذیرش داوطلبانه موجودیت سیاسی و نظامی امریکا، از طرف مردم بیچاره افغانستان، در اختیار امریکا و شرکای آن قرار داده است، پروژه کاری طالب وارد مرحله بعدی خود میگردد، که همانا صدور آن به کشور های همجوار افغانستان و آسیای مرکزی است.

پس واضح میگردد که، ریشه های اصلی این بحران جدید منطقوی در سیاست های جهانی امریکا، انگلیس و پاکستان نهفته است که، با همکاری نوکران استخدام شده داخلی آنها از بین مردم افغانستان به پیش برده میشود.

پلان های بعدی امریکا و شرکای آن، عبارت است از تجدید ترکیب قومی و نژادی طالب و القاعده با انتقال جغرافیای جنگ از مناطق پشتون نشین جنوب و شرق به شمال هندوکش،

یعنی مناطق هم مرز با جمهوری های آسیای مرکزی، و ایجاد هدفمند پایگاه های افراطیون طالب و القاعده در ولایات شمال، خصوصاً ولایات فاریاب، بادغیس، بدخشان و غیره با استفاده از طالبان ازبیک، تاجیک و تورکمن افغانستان، و خلط نمودن آنها با طالبان خارجی اوزبیک، قرغیز، تاجیک، قزاق، چیچین، اویغور، و غیره با هدف صدور طالبانیزم به کشورهای آسیای میانه میباشد.

قراین و شواهد نشان میدهند که، دیگر نقش طالبان پشتون تبار در پروژه منطقوی طالبانیزم روبه اكمال است، و این مسئولیت بتدریج بدوش طالبان ازبیک، تاجیک، تورکمن، قرغیز، قزاق و غیره افغانستان قرار داده میشود، تا در زمینه صدور ویروسهای طالبانی به کشورهای آسیای میانه و دیگر کشورهای همجوار، با استفاده از مشترکات قومی، نژادی و زبانی آنها با باشندگان آن کشور ها، سهولت های لازم تأمین گردد.

موفقانه بودن آزمایش این ویروس کشنده در افغانستان، استعمار یون قرن بیست و یکم را با سلاح استعماری دموکراسی و حقوق بشرکه، در انحصار ایشان قرار دارد، امید وار بدان ساخته است که، میتواند تمامی قلمرو های اسلامی جهان را با این ویروس ملوث نموده و به اهداف استعماری و پسا استعماری خویش در جهان دست یابند.

پس به این حساب، امریکایی ها حساب های تصفیه ناشده زیادی در افغانستان و کشورهای اسلامی منطقه دارند که با موجودیت و بی موجودیت خود، خواهان دستیابی بدانها میباشدند.

تشدید جنگ و درگیری های کنونی در ولایت فاریاب بخشی از این استراتژی تصفیوی در شمال کشور و منطقه آسیای میانه است که درین مرحله بدان عمل میگردد.

واقعیات های جغرافیای و جیو پولیتیکی منطقه، در ارتباط با حوادث متعدد تاریخی، همه گواه بر آن اند که، تیربند تورکستان حیثیت دروازه ورودی تورکستان جنوبی و یا تورکستان افغانی، و از این طریق، تمامی قلمروهای تورکستان باستان را که امروز ما بنام جمهوری های آسیای میانه میشناسیم، در طول سده های متوالی دارا بوده، واکثراً سازماندهی تهاجمات بزرگ و کوچک از استقامت جنوب، به سرزمین های آسیای میانه و یا تورکستان از همین مسیر صورت پذیرفته است.

مردم فاریاب زمین پاسبانان تاریخی این دروازه استراتژیک در برابر تهاجمات متمادی اشغالگران از استقامت های مختلف در طول تاریخ بوده و میباشند.

در شرایط کنونی باز هم مناطق شمال افغانستان یا همان تورکستان افغانی بنابه موقعیت استراتژیکی خاصی که در رابطه با صلح و ثبات افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی، دارا میباشد، مورد توجه ویژه بازیگران بزرگ سیاسی و نظامی درجهان، خاصه امریکا، انگلیس و پاکستان از یک طرف، و حلقات تمامیت خواه قبایلی که ارگ ریاست جمهوری کابل را در تصرف خود دارند از جانب دیگر، قرار داشته، و با ایجاد حالات خاصی سیاسی و امنیتی که مورد نظر آنهاست، هر یکی خواهان دستیابی به اهداف دلخواه اقتصادی، سیاسی و نظامی خود در بین حدود جغرافیای میباشند.

پس مردم فاریاب و دیگر ولایات شمال این توطئه های شوم غیر انسانی و غیر اسلامی را، در هر دو بعد استعماری و قبیلوی آن جبراً باید است، متحمل گردیده و با عواقب شوم آن مبارزه نمایند.

بیداری و تسلیم نا پذیری مردم فاریاب و دیگر ولایات شمال، در برابر پدیده بنیاد گرایی طالبانی و پروژه های استعماری اجانب، بزرگترین گناه این مردم و سزاوار توبیخ از جانب ستمگران داخلی و اشغالگران خارجی، در ادوار مختلف تاریخ بوده، و در شرایط امروزی کشور هم آنچه که این سرزمین و پاسداران صلح و عدالت را در آن محکوم به انتقام گیری های بی امان دشمنان از استقامت های مختلف میسازد، همین موقعیت استراتژیکی منطقه و روحیه تسلیم نا پذیر از ادیخواهانه مردم مسکون درین حدود جغرافیای است، که ایشان را در معرض دشمنی های بی امان دشمنان مختلف از استقامتهای مختلف قرار میدهد، که عمده ترین آن اهداف را ذیلاً بر می شماریم:

الف - برای نیروهای بین المللی حامی جنگ در افغانستان

- انتقال جغرافیای جنگ از جنوب به شمال افغانستان

- فراهم سازی زمینه های تمرکز و جابجا سازی طالبان آسیای میانه با همکاری طالبان افغانستانی در مناطق مرزی آن کشورها.

- صدور جنگ طالبانی از قلمرو افغانستان به سرزمین های آسیای میانه

- بعداً هم اشغال مستقیم و غیر مستقیم کشور های آسیای میانه با سلاح دموکراسی، حقوق بشر، مبارزه علیه تروریسم جهانی و تدابیر پیشگراانه امنیتی، و قبضه نمودن مالکیت نفت و انرژی این مناطق! همانند لیبیا، عراق و غیره

ب- برای مافیای ارگ نشین کابل:

- برهم زدن فضای انتخاباتی این مناطق در دور آینده انتخابات ریاست جمهوری و مانع شدن از مشارکت مردم این حدود جغرافیای درین دور انتخابات ریاست جمهوری که، بیم از سرازیر شدن رأی این مردم در صندوقهای مخالفین خود دارند.
- انتقام گیری از خیزشهای مردمی این ولایت در برابر اهداف ویرانه های فاشیستی قبیله سالاران ارگ نشین، و عقیم ساختن برنامه افغان سازی جبری هویت تمامی اقوام و ملیت های ساکن افغانستان در تذکره های الکترونیکی
- نابود سازی دست آوردهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی مردم این ولایات طی این چند سال اخیر، از طریق مشتعل ساختن جنگ های منطقوی و کشانیدن پای طالبان درین حدود جغرافیای.
- ایجاد و پرورش حلقات مافیایی جدید جنگ در بین اقوام و ملیتهای مختلفی که درین حدود جغرافیای سکونت دارند، و طرد شخصیت های با اعتبار ملی و مردمی از جامعه بکمک همین نیروهای بیخاصیت و استفاده جوی و وحشی و تازه تشکل یافته
- بستن دروازه های مکاتب و مدارس با خانه نشین نمودن دوباره زنان درین مناطق
- نمایش یک فضای جنگ و ناامنی سرتاسری به جهانیان، از طریق گسترش جنگ و بد امنی به این مناطق.
- جلب اعتماد باداران خارجی ایشان به کارا بودن و وفادار بودن خود، بمنافع جهانی آنها
- تحقق پلانهای اقتصادی و سیاسی پاکستان و ایران در رابطه با افغانستان و منطقه، با جلوگیری از تکمیل شدن سرک حلقوی.
- کرزی و تیم مافیایی او که، در نزد عامه مردم افغانستان به طالبان نیکتایی پوش مشهور اند، از همان نخستین روز های قدرت یابی خودها در افغانستان ، با مردم فاریاب و دیگر مناطق ازبیک نشین، هزاره نشین ، تاجیک نشین و تورکمن نشین، از هیچگونه دشمنی و برخورد های منافقت آمیز تحقیقی خودداری نه نموده، و با هر آن شیوه که ممکن بوده، به نابودی و اضمحلال این خلق ها کوشیده اند.
- ترور شخصیت های با اعتبار ملی، خارج نمودن کدرهای مجرب اداری، علمی، فرهنگی، نظامی و امنیتی وابسته به این اقوام و ملیتها از محیط های موثر کاری و مسلکی، ایجاد تفرقه

وبی اعتمادی، جابجا سازی کدرهای وابسته به حلقات مافیای دولتی در پست حساس دولتی و امنیتی این ولایات، جدا نمودن چند اولوسوالی پشتون نشین از بادغیس و مرتبط سازی آنها با ولایت فاریاب، جابجا سازی گروه های تروریستی از طریق کوچی ها، اعزام گروه های سازمان یافته طالب و القاعده به مناطق مهم استراتژیکی، از بین بردن سران و افراد نیروهای مقاومت ضد طالب، با طرح و عملی ساختن برنامه های آشکار و پنهان تروریستی، تخریب روحیه و باور مردم نسبت به امروز و فردا، تشویق سازمان یافته فساد و رشوه خواری در تمامی ارگانهای دولت از بالا تا پایین، بلند بردن سطح اعتیاد، تشدید تضاد های قومی، لسانی، مذهبی و منطوقی بمنظور مانع شدن مردم از هر نوع اتحاد آگاهانه و سرنوشت ساز، تماماً و در هر مرحله از طرف دولت و عمال آن رویکار بوده و هیچ نوع غفلتی در رابطه صورت نگرفته است.

امروز هم مردم فاریاب و دیگر ولایات شمالی افغانستان که، از هر جهت با محاصره دشمنان مکار و بی رحم داخلی و خارجی روبرو اند، بجز از سلاح های آگاهی، بیداری و هوشیاری، منحصیث ضروری ترین افزار اتحاد آگاهانه و هدفمند، هیچ وسیله دیگری در اختیار ندارند، و داشتن و نداشتن همین سلاح های اساسی است که یک ملت را نجات میدهد و یا آنرا به اسارت و نابودی میکشاند. سلاحی هم که امروز مردم فاریاب و دیگر مردم افغانستان را درین معرکه نجات میبخشد باز هم آگاهی و اتحاد باهمی آنها در راه دفع دسایس دشمنان و جلوگیری از انتقال جغرافیای جنگ بمناطق مسکونی ایشان است، که بر آورده شدن این امر هم نیاز مند کمک های بی شائبه و صادقانه تمام مردم افغانستان و مدافعین صلح و امنیت واقعی در سراسر جهان میباشد.

ومن الله توفیق